

■ **احمد محمد تبریزی**

مردان بزرگی در هشت سال دفاع مقدس در برابر دشمن متجاوز ایستادگی کردند و اجازه عرض اندام به نیروهای دشمن ندادند. دفاع مقدس سبب شد تا مردم قهرمانان واقعی‌شان را بشناسند. آنها که بدون کوچک‌ترین هراسی، بزرگ‌ترین حماسه‌ها را خلق کردند. نقشه‌های دشمنان را و وجود چنین مردانی عملیاتی نشد تا تاریخ ایران بزرگ‌ترین رزمندگان را بشناسد. سرلشکر یعقوب علیاری یکی از فرماندهانی است که شرح شجاعت‌هایش مایه غرور و میاهات هر ایرانی است. وجود چنین فرماندهای برای جبهه‌ها یک نعمت بزرگ بود.

■ **موفقیت با نمره‌های ممتاز**

امیر سرلشکر شهید یعقوب علیاری از فرماندهان بزرگ و کمتر شناخته شده دفاع مقدس است. یک آذری‌زبان شجاع که از دل سخت‌ترین آوردگاه‌ها با سربلندی بیرون می‌آمد. یعقوب علیاری در ارومیه متولد شد. در سن ۲۰ سالگی که مصافح بود با سال ۱۳۳۸، وارد دانشکده افسری شد. او در سال ۱۳۴۱ با درجه ستوان دومی و رسته پیاده به دوره مقدماتی اعزام شد که بعد از یک سال با نمره ممتاز فارغ‌التحصیل و به یگان چترپاز (که بعدها تیپ ۲۳ نیروهای مخصوص نامیده شد) منتقل شد. استعداد و مهارت علیاری فقط در چترپازی محدود نماند. او توانست دوره تیزپلدن (دوره نیروهای مخصوص در امریکا)، دوره نجرزی در امریکا و دوره آموزش زبان انگلیسی را در مرکز آموزش زبان‌های خارجی طی کند. او همچنین دوره اسکی و جنگ در کوهستان را نیز در فرانسه طی کرد. علیاری تمام این دوره‌ها را با نمره ممتاز به پایان رساند.

شهید علیاری در تیپ ۲۳ نوهد مشغول خدمت شد و در سال ۱۳۵۱ دوره عالی پیمانظام را با نمره ممتاز به پایان برد. علیاری در طول این سال‌ها به انتقال تجربیاتش به همکارانش پرداخت و در مجامع بین‌المللی به همکاری با کشورهای دیگر مشغول شد. دانش و تجربه این افسر ایرانی برای نیروهای رزمی و نظامی دیگر کشورها اهمیت زیادی داشت و فرماندهان نظامی دیگر کشورها به دنبال استفاده از مهارت‌های این افسر ایرانی بودند.

■ **تشکیل ۵۸ تکاو ذوالفقار**

با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ نیروی زمینی ارتش سرهنگ ستاد یعقوب علیاری را مأمور تشکیل تیپ ۵۸ تکاو در یادگار قصر تهران کرد. بدین ترتیب شهید علیاری وظیفه تأسیس، سازماندهی، آموزش و فرماندهی تیپ ۵۸ تکاو ذوالفقار را به عهده گرفت و پس از آموزش با همان تیپ تکاور به جبهه اعزام شد.

تیپ تکاو ذوالفقار با شروع جنگ و بنا به نیاز جنگ تشکیل شد. این یگان از تجهیزات سبک بهره می‌گرفت ولی نیروهای آن از افرادی زبده تشکیل شده بود که از طرف ستاد ارتش مشخص شده بودند که با دادن اختیاراتی به فرمانده این تیپ شهید یعقوب علیاری مأموریت یافت تا این واحد را در لشکر ذوالفقار راه‌اندازی کند.

این تیپ از افراد داوطلب یگان‌های دیگر و همچنین درجه‌داران و سربازان وظیفه داوطلب که خودشان برای حضور در این یگان حضور پیدا کنند تشکیل شد. نیروهایش بلافاصله



د

امیر سرلشکر حسینی سعدی نظر ش را درباره شهید علیاری این‌گونه بیان می‌کند: «شهید علیاری، امیری سرافراز، فرماندهای هوشیار، بیدار، مدبر، مدیر، دلسوز و پا در رکاب ارتش جمهوری اسلام بود و از چهره‌های درخشان و همیشه ماندگار دوران دفاع مقدس که جبهه‌های غرب، جبهه‌های جنوب و عملیات‌های مختلف دوران دفاع مقدس رشادات‌هایش را به خاطر دارد.»

آموزش‌های لازم را دیدند و در اولین عملیاتی که وارد شدند عملیات مطلع‌الفجر در منطقه شاخه شایکو بود. این عملیات با پیروزی انجام گرفت و آوازه تیپ به گوش همگان رسید و این تیپ مورد تقدیر قرار گرفت.

■ **جایزه صدام برای سر شهید علیاری**

شهید علیاری مأموریت‌های واگذار شده را با شجاعت و مدیریت لازم انجام داد و مورد تشویق و تقدیر مقامات ارتش قرار گرفت و به علت مأموریت‌های موفق تیپ در عملیات‌های مختلف پس از آن سازمان و وضعیت آن به لشکر ۵۸ ارتقا پیدا کرد. علیاری فرمانده سلحشور و شجاعی بود که همواره می‌گفت: «من تا

فرماندهای که صدام در سال ۱۳۶۱ برای سرش ۱۰۰میلیون تومان جایزه تعیین کرده بود

وحشت دشمنان از مهارت و شجاعت شهید علیاری

پای راست، زانو، ریه و گوش به شدت مجروح شد و به قول رئیس‌بهداری ارتش‌جای سالمی در بدن نداشت. به‌گفته یکی از نزدیکان شهید که شاهد عمل جراحی زانوی ایشان در بیمارستان خانواده بود به این شرط و با اصرار قبول کرده بود که اولاً من چترپازم و باید دوباره توان پریدن را پیدا کنم. دوم اینکه من فقط یک شب در بیمارستان خواهم ماند. دکتر معالج به او گفت شما همیشه چترپازی‌انگرن نباش! و او را برای عمل جراحی قانع کرده بود. علیاری شب دوم بعد از عمل بیمارستان را ترک کرد و به جبهه بازگشت و فقط یک شب در بیمارستان خوابید.

یعقوب علیاری در جواب یکی از خبرنگاران که به امیر علیاری گفته بود شما را از زمان فرماندهی در تیپ ۵۸ تکاو ذوالفقار می‌شناسیم، می‌گوید تا آخرین نفس همیشه سربازیم و بعد می‌گویم: «تیپ ۵۸ تکاو ذوالفقار تمام افتخارات من و تمام افتخارات نیروی زمینی ارتش بود. از سن فرمانده تا آخرین ستوان و آخرین گروهان همه در عملیات‌های مختلف مجروح شده‌ایم.»

شهید علی صیادشیرازی درباره تأثیرگذاری حضور افرادی مثل یعقوب علیاری در جبهه‌های جنگ می‌گوید: «لان دانشجویان، بیشتر به انتخاب رشته‌های علمی مانند کامپیوتر رغبت دارند و این برنامه‌ها موجب می‌شود که جایگاه رشته‌های رزمی و پیاده مشخص شود. دانشجویان وقتی صیاد، حسنی سعدی، یعقوب علیاری را می‌بینند، انگیزه انتخاب این رشته‌ها را پیدا می‌کنند.»

امیر احمد رضا پوردستان درباره این فرمانده شجاع می‌گوید: «شهید سرلشکر یعقوب علیاری، قافله‌سالار شهدای جنگ تحمیلی بود که دفاع از قرآن و ولایت و تمامیت ارضی کشور را سرلوحه خود قرار داده بود. علیاری از همان ابتدای خدمت در لشکر ذوالفقار در هر جا حضور داشت، مؤثر بود و استادی بسیار متبحر بود و به زیبایی عمل می‌کرد. وی همیشه در فعالیت‌های علمی و عملی رتبه اول داشت و افسری بسیار رشید و توانمند در عرصه پیکار با دشمن بود و دشت‌های پهناور خوزستان و ارتفاعات شمال‌غرب کشور هیچ‌گاه رشادت‌ها و دلیرمردی او را فراموش نخواهد کرد.»

امیر سرلشکر حسینی سعدی نیز نظرش را درباره شهید علیاری این‌گونه بیان می‌کند: «شهید علیاری، امیری سرافراز، فرماندهای هوشیار، بیدار، مدیر، مدبر، دلسوز و پا در رکاب ارتش جمهوری اسلام بود و از چهره‌های درخشان و همیشه ماندگار دوران دفاع مقدس که جبهه‌های غرب، جبهه‌های جنوب و عملیات‌های مختلف دوران دفاع مقدس رشادت‌هایش را به خاطر دارد.»

سرانجام سرلشکر یعقوب علیاری که در مورخ ۱۹ فروردین ۱۳۶۲ در منطقه عملیاتی جزیره منجون بر اثر بمباران شیمیایی دشمن از ناحیه ریه دچار ضایعه شده بود، در سیزدهم آذر ۱۳۸۵ بعد از تحمل سال‌ها درد و رنج به علت تشدید عوارض شیمیایی در بیمارستان ۵۸۰۵ ارتش دارفانی را وداع گفته و به هم‌زمان شهیدش بیوست. پیکر مطهر این شهید و الاامام در قطعه ۲۹ بهشت‌زهر(اس) تهران در جوار امیر شهید شهید علی صیادشیرازی آرام گرفته و میعادگاه عاشقان و عارفان و دلسوختگان است.

علمکرد درخشان امیر آذرفر و نیروهای ارتش در عملیات کربلای ۷

افتخار بعثی‌ها از شکست خوردن به دست فرمانده ایرانی

شکست داده، دوباره قادر به شکست‌شان خواهد بود. در حالی که لشکر ۶۴ توانست بدون استفاده از توپ و تانک، و تنها با قدرت جمعی و ایمان نیروها و تیراندازی نفر به نفر، عراقی را در این منطقه شکست دهد.

نیروها در جبهه حاج‌عمران در جایی که برف و سرما پدید می‌کرد ۳۰۰، ۴۰۰ کیلومتر جلو‌بودند و در نتیجه، با خیال راحت طرح‌ریزی برای عملیات انجام شد و خدا هم به رزمندگان کمک کرد تا عملیات پیروزمندانه کربلای ۷ لشکر ۶۴ رقم بخورد. رزمندگان ارتش توانستند طی یک نبرد سخت ارتفاع ۲۵–۱۹ را در این عملیات به تصرف کامل خود در آورند. بعدها فرمانده ارتش بعثی که در منطقه حاج‌عمران از ارتش ایران شکست خورده بود به دیدار امیر آذرفر رفت و به او گفت من افتخار می‌کنم که از



ارتباط با ما ۸۸۴۹۸۴۱

گزارش

فعالیت شهید حسین مرحمتی

از جبهه‌های کردستان تا عملیات‌های سخت جنوب

متولد نجف در فاو آسمانی شد

■ **آرمان شریف**

بگیرد. حسین چند روز سر کلاس‌های درس حاضر نشد و در جواب غیبت‌هایش نوشت که نمی‌توانم سر کلاسی بنشینم که معلمش رعایت ادب را نمی‌کند. همین رفتار بد معلم‌ها باعث شد تا او قید درس خواندن را بزند و دنبال کار باشد. خیلی زود در یک کیف‌سازی در شهرری مشغول کار شد. درآمد خوبی از شغلش داشت و حقوقش را بین خانواده‌اش تقسیم می‌کرد. حسین از همان نوجوانی بسیار خلاق و باذوق بود. با مقوا و کاغذ کار دستنی درست می‌کرد و به دیوار اتاقش می‌چسباند.

شروع جنگ تحمیلی فصلی تازه در زندگی حسین باز کرد. وقتی که جنگ شروع شد سن و سال زیادی نداشت تا این حال عشق به جبهه ایران بیوستند و به دنبال متوقف کردن برنامه‌های صدام حسین بودند. شهید حسین مرحمتی در اصل ایرانی بود ولی در کشور عراق زندگی می‌کرد. او در اول دی ۱۳۴۵ در جوار مرقد حضرت علی (ع) در شهر نجف اشرف به دنیا آمد و در سن هشت سالگی به همراه خانواده، بر اثر فشار حاکم بعثی عراق یعنی صدام به ایران بازگشت. این خانواده



د

حسین کنار آوردن می‌رود برای وضو گرفتن، در حال برگشتن به سنگر، هواپیماهای عراقی را در ارتفاع بالا تشخیص می‌دهد. با صدای بلند داد می‌زند: «سنگر بگیر یدا! هواپیماهای دشمن می‌آیند.» در همین حسین یک راکت زیر پایش اصابت کرده و به گفته همسنگرانش، او را حدود چهار متر به هوا بلند می‌کند و با صورت به زمین می‌زند. حسین در دم شهید می‌شود

در هجرت به ایران در جوار آستان مقدس حضرت عبدالعظیم‌الحسنی (ع) ساکن شدند. سیاست‌های خصمانه صدام، خانواده‌های آگاه زیادی را مجبور به ترک خانه و کاشانه کرد. آنها به ایران آمدند تا تحت فرمان امام خمینی(ره)

مسیر رشد و ترقی‌شان راه‌نامه دهند.

حسین تحصیلات ابتدایی‌اش را در مدرسه علوی در شهر نجف شروع کرد و ادامه آن را در ایران و در مدرسه متمدنی (شهرری) گذراند. از همان دوران مدرسه بسیار جواس‌جمع، باحیا و غیرتی بود. وقتی در کلاس دوم راهنمایی معلمش به دانش‌آموزان ناسزا گفتند، حسین در دم شهید می‌شود. به خاطر قطع بودن ارتباط با پشت جبهه، پیکر حسین دوروز در منطقه می‌ماند و بعد به عقب فرستاده می‌شود.

			۴		۸
				۵	۱
		۹		۶	۳
	۳	۶		۵	۹
			۴		۱۲
			۵	۲	
				۳	۹
	۸				۷
			۳	۶	۴

جدول سودوکو

ارقام ۹تا۹ اطوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های

کوچک سه‌درسه فقط یک بار

به کار روند

جدول کلمات متقاطع

● پاسخ جدول شماره ۵۹۵۱

د	ب	۷	۸	ص	ا	ا	ا	ا
۸	ک	ا	د	ا	ل	و	ب	۷
و	ا	ل	ب	ا	۷	۸	د	ک
۷	۸	ک	ا	ب	ا	ل	و	د
ا	ا	ص	ا	ل	ک	۷	۸	ب
ا	د	ب	۷	۸	و	ا	ک	ا
ا	ا	و	ا	ب	۷	۸	ک	ا
ب	ل	د	و	۷	ا	ک	ا	ا
ب	ل	د	و	۷	۸	ا	ک	ا
ک	۷	۸	ا	ب	ل	د	و	ا

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ا	ش	و	ت	و	ا	ا	ن	ا	ن	ا	ا	ا	ا	ا
۵	۱	ع	ا	ش	ا	ع	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
۳	۲	د	ل	ا	ر	م	ب	م	ب	م	ب	م	ب	م
۵	۱	ک	و	د	ن	ش	ت	ا	ن	ا	ا	ا	ا	ا
۵	۱	ر	ی	و	ا	ی	ل	ر	د	م	ا	ا	ا	ا
۷	۱	ا	د	ا	ج	ا	ی	ز	ا	د	ن	ا	ا	ا
۹	۱	ش	ا	ر	ب	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
۹	۱	م	ی	ف	د	ی	ا	م	و	ا	م	ع	م	س
۱۱	۱	س	ا	ن	و	ن	ی	ز	ا	ن	ا	ا	ا	ا
۱۱	۱	ن	ب	ا	ل	ا	ن	ک	ی	ر	د	ی	ا	ا
۱۲	۱	ا	ن	ر	ع	م	و	م	ا	ن	ا	ا	ا	ا
۱۲	۱	س	ا	د	ا	ی	ک	و	ل	ی	ا	ک	ا	ا
۱۳	۱	ا	ن	ر	م	ا	ل	ا	ر	ی	ا	ا	ا	ا
۱۳	۱	ن	و	ا	ی	ش	و	ت	ا	ب	ا	س	ا	ی

۱- یاری‌کننده - جانشین ■ ۲- پادشاه - ایالتی در امریکا ■ ۳- ظن و گمان - پسوند نگهبان‌نده - عنصر شماره ۱۱ ■ ۴- چه وقت- الک‌کننده غلات- سرای مهر - تخم‌مرغ فرنگی ■ ۵- اصلاح عکس پس از ظهور - خوش پوش - جاسوسخانه امریکا ■ ۶- مایه حیات - حرکت یکضرب در ورزش برداری - کمیسر ■ ۷- آب دهان - از قهرمانان تورانی - جنگ‌افزار ■ ۸- اسب - نقش تئاتری - عدد توحیدی - گوشواره مدیترانه ■ ۹- همگمانه امروزی - از اسامی پسران - تزویر ■ ۱۰- سلحشور قرون وسطی - واحد سنجش الماس - از حروف انگلیسی ■ ۱۱- لایه محافظ زمین - صیقل دادن - غلام سلطان محمود غزنوی ■ ۱۲- مشک - گرفتنی سربزن‌نگاه - رودررو - خاشاک ■ ۱۳- شادمانی - نرم - مکان و اشیان ■ ۱۴- محل موزه آثار طبیعی و حیات وحش تهران - پشه ■ ۱۵- روزنامه سیدالشرف‌الدین گیلانی - دولت انگلیس با انتشار این بنایانه در اقدامی ننگین با تشکیل رژیم صهیونیستی در سرزمین فلسطینیان موافقت کرد